

از گوشه و کنار

با حاکمیت تفکر سنتی بر راهنمایی و رانندگی
نشد که شهر را از خودروها
پس بگیریم!

الهام فخاری، رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر در صفحه توئیتر خود خبر از بازگشایی معبر داد و نوشت: به پیشنهاد گروه‌هایی هم چون باهمستان و در راستای انجام شعار «شهر انسان محور»، چهارراه ولی عصر به‌طور موقت در محدوده خط عابر پیاده بازگشایی شد!

بعد از آن روز شنبه ۱۰ آذر ماه با حضور معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران یک قسمت از چهارراه بازگشایی شد. پورسیداقایی در مراسم بازگشایی بخشی از چهارراه گفت: یک تغییر رویکرد در مدیریت شهری جدید وجود دارد که معتقدیم شهر باید از خودروها پس گرفته شود و به عابرین پیاده داده شود. در رویکرد گذشته که موجب اجرای طرح زیرگذر چهارراه ولیعصر شد، فرض بر این بود که ماشین‌ها سریع‌تر رد شوند و برای عابرین پیاده مشکلاتی ایجاد می‌شد. وی ادامه داد: با پلیس توافق کردیم یک مسیر بازگشایی شود و عملکرد عابرین پیاده را مشاهده کنیم تا ببینیم هنگامی که چراغ عابرین پیاده قرمز است مردم از سطح خیابان عبور می‌کنند یا خیر؟ البته در اینجا یک NGO نیز برای فرهنگ‌سازی کمک می‌کند تا هنگامی که چراغ عابرین قرمز است مردم از خیابان عبور نکنند. با این که معاون شهردار از هماهنگی با پلیس خبر داد، اما بعد از چند ساعت مجدداً نرده‌های چهارراه ولیعصر به هم جوش خورد و مردم محصور شدند. سرهنگ سعید سپهری (سسر کلاستر مکز تهران بزرگ) در گفت‌وگوی اعلام کرد: زمانی که زیرگذر در این منطقه نبود، عبور و مرور عابران پیاده باعث ایجاد ترافیک بسیار سنگین می‌شد. روزانه بیش از ۱۵ هزار عابر از این زیرگذر تردد می‌کنند و در صورتی که قرار باشد خط عابر بازگشایی شود، مشکلات ترافیکی بسیاری برای این منطقه ایجاد خواهد شد، به گونه‌ای که پلیس مجبور است از طناب برای نگهداری مردم استفاده کند تا از حجم بار ترافیک خودروها کاسته شود. اما علی پیر حسین لو، مشاور اجتماعی معاونت حمل و نقل شکل مدیریت راهنمایی و رانندگی در تهران راستی دانست و گفت: این طرز فکر که پیاده‌ها چندین متر به بالا و پایین زمین بفرستیم تا خودروها سریع‌تر حرکت کنند، کاملاً منسوخ شده است. اتفاقاً به عکس: همه دنبال این هستند که سرعت مجاز خودروها را کم کنند و عرض خیابان را به نفع پیاده‌رو کاهش دهند تا جاذبه استفاده از خودروی شخصی کم شود. نمی‌شود برای خودروها فرش قرمز پهن کنیم و بعد انتظار داشته باشیم نیایند.

یک مسئول خبر داد:

گفت و گوی چهره به چهره
ایرانی‌ها؛ روزانه نیم ساعت



مشاور زنان و خانواده وزیر کشور با بیان این که گفت‌وگوی چهره به چهره اعضا در یک خانواده ایرانی، به‌روزی ۳۰ دقیقه تقلیل یافته است، از اجرای طرح گفت‌وگوی ملی خانواده و بین‌نسلی خبر داد. فریب‌نظری با بیان این که روابط صمیمانه اعضای خانواده ایرانی به‌مدت زمان اندکی تقلیل یافته است، افزود: باید در تعامل افراد خانواده به وضعیت نرمال و طبیعی برسیم. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد ارتباط صمیمانه و گفت‌وگوی اعضای خانواده کاهش یافته است در حالی که «گفت‌وگو» منجر به کاهش بحران و تنش و اختلافات آتی می‌شود. وی افزود: اگر در خانواده زمینه مناسب گفت‌وگو فراهم شود، آمارش به سطح حمایتی جامعه از جمله مدرسه و گروه همسالان و فضاهای آموزشی انتقال می‌یابد. نظری وضعیت کنونی در حوزه صمیمیت خانواده را در سطح هشدار عنوان کرد و گفت: اولاً باید این وضعیت را اعلام کنیم و در عین‌با نگران سرانه گفت‌وگو و تعامل صمیمانه اعضای خانواده باهم باشیم. در این حوزه کار باید به دست یک متخصص کاران سپرده شود و به همین دلیل انجمن جامعه‌شناسی در تک‌تک استان‌ها و کمک‌استانداری‌ها متولی این کار شده است. وی تصریح کرد: افراد خانواده در این طرح اجباری برای گفت‌وگو ندارند، اما وقتی این بحث در سطح کلان جامعه مطرح می‌شود، مسئله گفت‌وگوی اعضای خانواده اولویت پیدا می‌کند. در شیوه‌اجرای این کار که توسط انجمن جامعه‌شناسی انجام می‌شود، از گروه‌های مرجع نظیر نماینده کانون‌های مردم‌نهاد، فعالان اجتماعی در زمینه جامعه‌شناسی، مددکاری و روانشناسی و مدیران دستگاه‌های اجرایی نظیر آموزش و پرورش دعوت به عمل می‌آید.

ما به همدیگر برای رد
نشدن از چراغ قرمز، برای
استفاده از پل عابر روگذر
یازیر گذر، برای رعایت
نوبت در جاهایی که در صف
ایستاده‌ایم، و... هشدار
و تذکر نمی‌دهیم. ما به
پزشکی که در جهت فرار
مالیاتی از کارت خوان
استفاده نمی‌کند اعتراض
نمی‌کنیم

جمعی و قانون‌گریزی، بین میزان کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی، بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و قانون‌گریزی، بی‌سن و وضعیتی تاهل و قانون‌گریزی، بین سن و گرایش به قانون‌گریزی و ... رابطه معناداری وجود ندارد. بلکه آن چه کمبود و حتی نبودش در بین ما به شدت احساس می‌شود، مشارکت اجتماعی است که جایگاه به مراتب مهم‌تری نسبت به انواع کنترل اجتماعی در کاستن از تمایلات قانون‌گریزانه دارد. اگر این قاعده در مورد آسیب‌های اجتماعی مورد توجه باشد که پیشگیری بهتر از درمان است، مشارکت اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از ناهادهای زمینه‌های پیشگیری از جرم و رفتار قانون‌گریزانه مورد نظر قرار گیرد.

به این ترتیب و با توجه به نقش مهم مشارکت اجتماعی، علاوه بر این که به گفته دکتر کوروش محمدی مسئولان بالادستی ابتدا باید از خود شروع کنند و تن به قانون و اجرای جدی آن بدهند، باید به مسئله مشارکت اجتماعی نیز توجه خاصی بشود. بر همین اساس، سازمان‌های متولی امور فرهنگی و اجتماعی در جامعه باید فعالیت‌های عمومی و مردمی را در امور اجتماعی و فرهنگی گسترش دهند. همین‌طور تشکلهای غیردولتی باید بتوانند بستر مناسبی برای آشنایی بیشتر شهروندان با قواعد و قوانین به وجود بیاورند. در این میان باید شوراهای شهر، فرهنگانه وارد عمل شوند و به ارتقای فرهنگی عمومی کمک کنند و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی ترویجی در زمینه قانون‌مداری و فرهنگ شهروندی تدوین کنند.

برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از جرم نسبت به کنترل اجتماعی از اولویت بیشتری برخوردارند. بنابراین لازم است چنین برنامه‌هایی در مراکز آموزشی و نیز در برنامه‌های هنری در نظر گرفته شود.

بر جای می‌گذارد و هم چنان مسئولین سعی در انکار و توجیه دارند. پسران انون گریزی و مدیر سالاری در جامعه‌ای با مختصات جامعه ما یک آسیب اجتماعی پنهان محسوب می‌شود و نتیجه مسلم این اتفاق باید تلاش همه‌جانبه حاکمیت و مردم باشد برای اجرا و استقرار کامل قانون و قانون‌سالاری به جای مدیرسالاری. و چه نیکوست اگر از این پس در مدارس ابتدایی کشور در آغازین فرصت‌های فراگیری، الفبای قانون را به نسل‌های نوپای جامعه آموزش دهیم و در هر کوی و برزن فریاد بزنیم: قانون، قانون!

این که به کسی ضرر نمی‌زند!

راننده تاکسی، خیابان یک‌طرفه را خلاف آمده و باعث ترافیک و حتی بسته شدن خیابان شده است. وقتی مسافران اعتراض می‌کنند، می‌گویند من هر روز همین مسیر را می‌روم، رفتن، حالا نمی‌دانم امروز چرا این‌طوری شده؟ معلوم نیست مردم چه خبرشان است! حالا طوری نشده که دو متر آن یکی عقب بکشد، راه همه باز می‌شود. مسافر دیگری می‌گوید: جناب شما خلاف آمده‌ای، می‌خواهی آن یکی دو متر عقب بکشد؟ راننده می‌گوید خوب آمده‌ام که آمده‌ام، حالا آسمان که به زمین نیامده. من هم که نمی‌توانم عقب بکشم، جا ندارم. تازه این جاست که مسافران متوجه می‌شوند پشت سر این راننده خلاف کار، تعدادی تاکسی و وسواری دیگر هم حضور دارند. راننده می‌گوید ما که هر روز همین مسیر را می‌ایم، حالا استثنائاً امروز این‌طوری شده!

ایس یک شمه از ماجراهای قانون‌گریزی در شهر است. دارم از خط‌کشی عبور می‌کنم که موتوری بی‌هوا کنارم ترمز می‌کند، موتوری که دارد از خط ویژه عبور می‌کند. بالحن بی‌ادبانه‌ای می‌گوید: بوی حواست کجاست؟ من که تعجب کرده‌ام، می‌گویم آقا شما خلاف آمده‌ای. هم چراغ قرمز است و هم این خاط ویژه است. گاز می‌دهد و در حالی که درست از بغل گوشم رد می‌شود فریاد می‌زند: خوب تو باید خودتوبندازی جلوی موتور فلان فلان شده...

مردم اغلب در پاسخ اعتراض دیگران به چنین قانون‌گریزی‌هایی یک پاسخ دارند: حالا همین یک کار ما شد غیرقانونی؟! این کار که به کسی ضرر نمی‌زند. حالا مگر طوری شده؟

امایله طوری شده است. ما گرفتار نوعی بیماری هنجارگریزی شده‌ایم که در فرآیند آن بیش از همه خودمان و فرزندانمان آسیب می‌بینند.

قانون‌گریزی و مشارکت اجتماعی
مطالعات متعدد در این زمینه نشان می‌دهد بین میزان استفاده از رسانه‌های

مطالعات متعدد نشان می‌دهد بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و قانون‌گریزی، بین میزان کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی، بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و قانون‌گریزی، بین سن و گرایش به قانون‌گریزی و ... رابطه معناداری وجود ندارد. بلکه آن چه کمبود و حتی نبودش در بین ما به شدت احساس می‌شود، مشارکت اجتماعی است که جایگاه به مراتب مهم‌تری نسبت به انواع کنترل اجتماعی در کاستن از تمایلات قانون‌گریزانه دارد.



صورتی در زیر دارد
هر چه در بالا هستی

قانون‌گریزی و
مدیر سالاری در جامعه‌ای
با مختصات جامعه ما یک
آسیب اجتماعی پنهان
محسوب می‌شود و نتیجه
مسلم این اتفاق باید
تلاش همه‌جانبه حاکمیت
و مردم باشد برای اجرا
و استقرار کامل قانون
و قانون‌سالاری به جای
مدیر سالاری.

اگر به جای هزینه‌های بی‌ثمر و صرفا نمایشی در کنترل آسیب‌های اجتماعی که تاکنون هیچ توفیق و اثری در بر نداشته است، به سمت ایجاد فرآیندسازی و تولید برنامه‌های فرهنگی حرکت شود، بی‌تردید شرایط برای استقرار کامل قانون تسهیل خواهد شد، چون عدم اجرا و استقرار قانون در هر مقطع زمانی و مکانی تولیدکننده قدرتمند آسیب‌های اجتماعی در بین شهروندان است.

بی‌توجهی برخی مسئولان به امر صریح قانون در اموری که به آنان محول شده و رفتارهای سلیقه‌ای و فاقد عقلانیت گاهی به حدی است که در دامانش میلیاردها دلار اختلاف اتفاق می‌افتد و این در حالی است که هر رقم اختلاس در نوع خود اثر مهمی در گسترش فقر و تولید بیکاری در جامعه

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، علت چنین ناهنجاری‌هایی را که تنه به تنه به‌کاری می‌زند؛ با دزدی و تجاوز به اموال و حقوق مردم دیگر هم فاصله‌ای ندارد، در تولید فساد و جریان در آن در افراد فرادست جامعه می‌بیند: قانون‌گریزی مسئولان، در تولید فقر، موثر است. امروز عموم مردم ما دچار فقر اقتصادی و مشکلات معیشتی هستند که در ایجاد آن مسئولان خود را موثر می‌بینند. اگر جامعه‌ای مسیر و افق خود را بر مبنای قانون و استقرار بی‌چون و چرای آن بنا کند، چه دلیلی برای تولید فقر و بیکاری باقی خواهد ماند؟

فساد و رانت‌ها، بی‌تدبیری‌ها، متکی به خرد فردی و نه جمعی بودن، ندانم کاری‌ها، تبعیض‌ها، ضابطه‌بازی‌ها، هنجار شکنی‌ها، اختلاس‌ها، انکار واقعیت‌ها، گرایش به بازی‌های سیاسی و بی‌عدالتی‌ها در دستگاه‌های متولی امور مردم، همگی نشان از عبور مسئولان و مجریان امور از قانون دارد که همین امر در نوع خود راه را برای شکل‌گیری و پرورش مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی در میان شهروندان هموار کرده است.

کوروش محمدی ادامه می‌دهد: قانون به‌عنوان یک عامل موثر در تضمین سلامت جامعه و پیشگیری از بروز آسیب‌های جامعه نقشی بسیار مهمی دارد. به همین دلیل معتقدم

می‌دهیم که قرار است به‌خاطر خلافی که به‌صورت همگانی در حال ارتکاب آنیم جریمه شویم! ما به همدیگر برای رد نشدن از چراغ قرمز، برای رعایت نوبت عابر روگذر یازیر گذر، برای رعایت نوبت در جاهایی که در صف ایستاده‌ایم، و... هشدار و تذکر نمی‌دهیم. ما به پزشکی که در جهت فرار مالیاتی از کارت خوان استفاده نمی‌کند اعتراض نمی‌کنیم و می‌رویم از اولین دستگاه کارت‌خوان در خیابان پول ویزیت را از کارت‌مان می‌کشیم و نقدی به‌خانم یا آقای دکتر تقدیم می‌کنیم و اصلاً حواس‌مان هم نیست که ما به‌عنوان کارگر و کارمند، افرادی هستیم که پیش از دریافت حقوق‌مان، مالیات از آن کم شده است! در حالی که در آمدمان یک صدم و حتی یک هزارم در آمد روزانه پزشکان این‌چنینی نیست!

ما مسافرانی را در مترو دیده‌ایم که منتظر می‌مانند کسی کارت‌ش را روی دستگاه بگذارد و در که باز شد همراه او وارد ایستگاه شوند و در واقع مجانی از مترو استفاده می‌کنند، ما هرگز به این افراد تذکر نمی‌دهیم که این کار نوعی سرقت است، همان‌طور که فرار مالیاتی پزشکان هم نوعی سرقت از اموال عمومی است. مسا در برابر اعمال غیرقانونی و حتی ضدقانونی که گاه به ضرر خودمان هم تمام می‌شود، سکوت می‌کنیم... اعتراض نمی‌کنیم... تذکر نمی‌دهیم... آخر ما چه مان شده است؟!



آذر فخاری، روزنامه‌نگار

اگر در هر جامعه توسعه یافته‌ای، قانون عامل تنظیم‌کننده نظم اجتماعی و محور استحکام و انسجام آن جامعه است، در جامعه ما، مسئله کاملاً برعکس است! مردم ما به نحو عجیبی در قانون‌گریزی و دور زدن آن، همدل و همراه هستند و در این مواقع خیلی خوب به داد یکدیگر می‌رسند! احتمالاً خود شما هم تجربه کرده‌اید و به چشم دیده‌اید که هنگام رانندگی، آن‌هایی که زودتر باخبر شده‌اند، به‌بقیه هشدار می‌دهند که جلوتر پلیس مستقر است تا مثلاً اگر کمربند نبسته‌اند، ببندند! و یا اگر وارد عبور ممنوع شده‌اند، بهتر است که یک جوری سر ماشین را کج کنند و راه در رویی پیدا کنند. این میزان از اتحاد در دور زدن و فرار از قانون، به‌خصوص در اپلیکیشن‌هایی چون ویز هم دیده می‌شود و به‌شدت قابل ستایش است! این اپلیکیشن هم به کاربر خود حضور پلیس را در چندمتری اعلام می‌کند و همدلانه هشدار می‌دهد. این میزان از اتحاد و همدلی در دور زدن قانون و فرار از آن، اگر در زمینه‌های دیگر اجتماعی اتفاق می‌افتاد مسلماً امروز از نظر امنیت و ثبات اجتماعی و نیز اخلاق‌مداری وضعیت بهتری داشتیم. اما متأسفانه چنین نیست. ما فقط در جاهایی به همدیگر هشدار و تذکر

یادداشت

همدلی از همزبانی بهتر است



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

انسان‌ها بر اساس ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی که دارند ممکن است به محض مشاهده غم، رنج و ناراحتی افراد واکنش‌های عاطفی متنوعی ابراز کنند. بعضی افراد هستند که در رویارویی با صحنه رنج و ناراحتی دیگران قلبشان به درد می‌آید و تلاش می‌کنند خود را جای فرد مذکور بگذارند تا بفهمند طرف مقابل از چه دردی رنج می‌کشد. گویی از طریق همدلی با آن فرد می‌خواهند، به دنیا از دریچه چشم فرد آسیب‌دیده بنگرند تا به این صورت بهتر بتوانند احساسات و هیجانات بر خاسته از تجربیات ناخوشایند وی را بفهمند و درک کنند. البته در این میان افراد دیگری همچون

«خودشیفته‌ها» و «سایکوپات‌ها» نیز هستند که نسبت به اتفاقات و پیامدهایی که برای اطرافیان‌شان رخ می‌دهد، بی‌تفاوت و بی‌اهمیت هستند و حتی حالت‌های خصمانه‌ای نیز از خود بروز می‌دهند. این افراد از «همدلی» بویی نبرده‌اند. البته پاسخ‌های متفاوت افراد مختلف کاملاً گویای آن است که «همدلی» واکنشی عمومی و جهان‌شمول نیست.

باتوجه به مطالب مطرح شده بعضی افراد به اشتباه تصور می‌کنند «همدلی» همان «همدردی» است؛ باور این افراد آنست که همانند فردی که از درد رنج می‌کشد، آنها هم باید همان درد را متحمل شوند تا به اصطلاح با او همدل شوند؛ این گمان یک تصور غلط رایج است. در قلمرو روانشناسی «همدلی» (Empathy) به معنای قابلیت توانایی درک تجربه دیگران به لحاظ هیجانی و همچنین اشتراک‌گذاری

احساسات بدون از هر گونه قضاوت است. اصطلاح «همدلی یا هم‌احساسی» نخستین بار در سال ۱۹۰۹ توسط روانشناسی با نام «آدوارد تیچنر» از واژه‌های آلمانی به معنای «احساس وارد شدن» به زبان انگلیسی برگردانده شد که در روانشناسی نیز یکی از مفاهیم کلیدی برای برقراری ارتباط همدلانه میان درمانگر-مراجع تلقی می‌شود.

روان‌شناسان معتقدند مهم‌ترین فاکتوری که نقش بسیار شگرف و تاثیرگذاری در برقراری روابط همدلانه ایفا می‌کند، «گوش کردن» است که بسیار متفاوت‌تر از «شنیدن» می‌باشد. در واقع «شنیدن» به معنای آن است که بدون تلاش برای درک و توجه به صحبت‌های گوینده، صرفاً یک سری از اصوات شنیده شود که در این میان نیز شاید هرازگاهی سری به نشانه تأیید تکان داده شود. در حالی که «گوش دادن» به معنای دنبال کردن تک‌تک کلماتی است که گوینده به

زبان می‌آورد بطوری که هیجانات و احساسات وی فهمیده و درک شود. بنابراین می‌توان گفت دو فاکتور شنونده خوب بودن و همچنین درست گوش کردن از جمله مهمترین عوامل دخیل در شکل‌گیری مهارت‌های ارتباطی هستند؛ زیرا «گوش دادن» و به اصطلاح «سراپا گوش بودن» تنها راهی است که با مشارکت فعال طرفین می‌تواند منجر به درک همدلانه شود. به این ترتیب با بهره‌مندی از این فن افراد می‌توانند طرّف مقابل خویش را بفهمند و درک کنند؛ از اینرو با هماهنگی و همدل شدن با او نیز می‌توانند دیر دوام، پایداری و صمیمیت روابط خویش بیفزایند. نکته حائز اهمیت آن است که بسیاری از مشاوران، روانشناسان و روان‌درمانگران در پروسه درمان تلاش می‌کنند با «گوش دادن همدلانه» به صحبت‌های مددجو به شناسایی و درک احساسات و عواطف وی بپردازند تا به این ترتیب بتوانند ریشه مشکل بوجود آمده را بیابند؛ از اینرو می‌توان گفت «همدلی کردن و برقراری روابط همدلانه» یکی از تکنیک‌های مهم درمانی است که متخصصان از حل‌های مشکلات یاری رسانند.